

یونس پارسا بناب / دو نمونه از پدیده های جهانی شده در مسیر حرکت جهانی سرمایه - بخش اول



بخش اول: جهانی گرائی شکنجه در فاز فعلی گلوبالیزاسیون

*درآمد:

در زمانی که روند جهانی گرائی سرمایه و تشدید آن بویژه در سی سال گذشته بیش از پیش رسانه پی تر گشته فعالین سیاسی منجمله دانشجویان پرسشهای گوناگون و بحث انگیزی را مطرح می سازند که پاسخ به آنها دارای اهمیت سیاسی در تعبیه و تنظیم استراتژیهای

مبارزاتی چالشگران علیه نظام جهانی است. بخشی از این پرسشها عبارتند از:

- آیا پروسه ی جهانی گرائی (گلوبالیزاسیون) فقط محدود به حرکت سرمایه در سطح جهانی است؟

- آیا حرکت سرمایه قادر است که دیگر گستره ها و زمینه های مربوط به فعالیت های انسانی را زیر کنترل خود قرار دهد؟

- آیا پدیده هائی مثل شکنجه و روسپیگری که امروز بیش از هرزمانی در گذشته ورد محافل گشته و رسانه ای تر شده اند جزو

آن گستره ها و زمینه هائی هستند که حرکت سرمایه به آنها نیز خصلت و بُعد جهانی داده است؟

- آیا پدیده ها در نظام های پیشا سرمایه داری نیز به شیوه و بُعد جهانی عمل می کردند؟ و

- آیا هر چه رسانه ای تر و بر ملا تر کردن شکنجه (بویژه شکنجه جنسی) ویا روسپیگری (بویژه روسپیگری کودکان) می توانند در خدمت مبارزات مردم علیه نظام جهانی و نظام های بنیاد گرائی دینی- مذهبی مثل جمهوری اسلامی قرار گیرند؟

در قسمت اول این نوشتار بعد از پاسخ به پرسش ها به بررسی پدیده شکنجه بویژه جنسی که چند و چون جهانی گرائی آن در طول دهه ی اول قرن بیستم پیش از هر زمانی در گذشته بُعد جهانی پیدا کرده است، می پردازیم.

در قسمت دوم این نوشتار به بررسی چند و چون روسپیگری در بُعد و سطح جهانی و مؤلفه های آن بویژه "صنعت سکس جهانی" می پردازیم.

جهانی گرائی محدود به حرکت سرمایه است ولی:

پروسه جهانی شدن محدود به حرکت سرمایه است . ولی این حرکت که بر پایه ی منطق انباشت سود به وقوع می پیوندد، هر زمینه و حیطه سودآوری را که در مسیرش باشد، زیر سیطره خود قرار می دهد. براین اساس، چشم انداز جهانی شدن تنها استثمار کار و زحمت، تبادل نابرابر بین کشورهای مرکز و پیرامونی، تقاضا ها و عرضه ها وانگاشت و عملکرد مصرف را دربر می گیرد، بلکه دردینگر گستره های فعالیت انسانی نیز بعد از رسوخ و نفوذ موقعیت متوقف کسب می کند. امروز جهانی شدن گستره هائی چون مهاجرت های اجباری، توسعه التراناسیونالیسم و بنیادگرائی های دینی و مذهبی، تخریب محیط زیست، شیوع فساد مالی و سیاسی، گسترش پدیده های کودکان حیابانی، شیوع مواد مخدر، رواج روسپیگری، تشدید نابرابری های اجتماعی و ... را در بر می گیرد که به نظر نگارنده در درک

مهم تحول دنیائی که در آن زندگی می کنیم، جایگاه قطعی دارند. به هیچ وجه نباید تصور گردد که مجموع این مسائل در جوامع پیشا سرمایه داری وجود نداشتند. بررسی تاریخی نشان میدهد که تک تک این مسائل کم و زیاد در جوامع پیشا سرمایه داری وجود داشتند. ولی ابعاد و عمق و وسعت آنها مطلقاً محلی، ناحیه ای و منطقه ای بوده و به هیچ وجه و شکلی از بُعد و چشم انداز جهانی برخوردار نبودند. در نتیجه راه کارها و راه حل هائی که قربانیان این مسائل برای رهائی مطرح می ساختند بطور طبیعی "جراحی ها"، دگر دیسی ها و انقلابات محلی، ناحیه ای و منطقه ای بوده و هر یک از آن راه حل ها براساس ویژه گی های جوامع بمورد اجراء گذاشته می شدند.

بطور مثال، برده داری در روم قدیم که دو هزار سال پیش یکی از بزرگترین امپراطوری های جهان محسوب می شد، به هیچ وجه بعد و چشم انداز جهانی نداشته و در حد اعلاای خود یک چشم انداز منطقه ای بود. در عهد زمام داری ژولیوس سزار که اوج امپراطوری برده داری روم محسوب می شود، در اکثر مناطق جهان یا برده داری اصلاً وجود خارجی نداشته (مثل تمدن های موجود در قاره های آمریکا و اقیانوسیه) و یا برده داری های به غایت متفاوت (مثل برده داری در امپراطوری های ایران، شبه قاره هندوستان، چین و ماچین) بوده اند.

پس آنچه که در جوامع پیشا سرمایه داری عمدتاً حاشیه ای، محلی و ناحیه ای بود، در زمان ما در مرکز توسعه سرمایه داری جهانی قرار دارد. برخلاف دوران گذشته، ما اکنون شاهد جهانی شدن و صنعتی شدن فقر، فساد مالی، شکنجه، داد و ستد کودکان و زنان و بالاخره روسپیگری و ... هستیم.

بنا به علل معلوم و روشن که بعداً شرح داده خواهد شد تا این اواخر، جهانی شدن دو پدیده ی شکنجه (بویژه جنسی) و روسپیگری بعنوان صنعت جهانی سکس (بویژه در ارتباط با کودکان و نوجوانان) آنطور که شاید و باید مورد بررسی های جامع و مفصل قرار نگرفته اند. نگارنده در بخش اول این نوشتار همانطور که در مقدمه ذکر گردید نیم نگاهی به مسئله ی شکنجه و جنبه های جهانی شدن آن بویژه در ارتباط با شکنجه جنسی (تجاوز) و در بخش دوم به مسئله ی جهانی شدن صنعت جهانی سکس می اندازد.

* تعریف شکنجه و علل رواج آن:

واژه شکنجه در فرهنگ نامه ها منجمله در لغتنامه ی دهخدا به آزار و اذیت دادن، بیچیدن و شکستن اعضا ی بدن، عذاب دادن و رنج دادن متهم با آلات و ابزار گوناگون به منظور کسب اقرار تعریف و معنی شده است. ماده یک کنوانسیون منع شکنجه که در سال ۱۹۸۴ توسط سازمان ملل متحد برگزار گردید تعریف و معنی شکنجه را کاملتر و جامع تر ساخت. مطابق این ماده تعریف و معنی شکنجه عبارت است از: تحمیل عمدی هرگونه رنج و عذاب جسمی یا روانی که توسط ما مور شکنجه بر فرد تحت شکنجه (به منظور کسب اقرار و اطلاع از او) اعمال می گردد. با اینکه مسئولیت برقراری امنیت افشار مختلف مردم و پیشگیری از وقوع جرایم و مبارزه با آنها عموماً در جوامع به عهده ی دولت است ولی بررسی و رخدادهای جهان نشان میدهد که در هر مقطعی که دولتی به هر دلیلی از انجام وظایف خود باز مانده و نتوانسته امنیت بویژه معیشتی شهروندان خویش را تأمین سازد برای سرپوش نهادن بر این هدف (رسیدن رژیم به مرحله ی فرتوتی و بی ربطی خود) به خشونت و شکنجه روی آورده است. بهترین مثال در حال حاضر اقدامات جمهوری اسلامی ایران بویژه در ارتباط با شکنجه جنسی در زندانهای ایران بویژه در سالهای اخیر می باشد. مثال بهتر دیگر که برخلاف امر شکنجه جنسی در ایران، در سالهای اخیر رسانه پی تر و بر ملاء تر گشته، اقدامات دولت آمریکا بویژه پس از حوادث مرموز یازده سپتامبر ۲۰۰۱ در احداث زندانهای مخوف در گوانتانامو (در خاک اشغال شده کوبا)، در عراق از جمله زندان ابو غریب، در افغانستان و در پایگاه های نظامی آمریکا در اکناف جهان و رواج شکنجه های متنوع جسمی و روانی منجمله جنسی (تجاوز) در رویارویی با مردمان عراق، افغانستان، پاکستان، یمن و... است.

به عبارت دیگر اکثر دولتها چه در کشورهای مسلط مرکز (مثل آمریکا) و چه در کشورهای پیرامونی (مثل ایران) بجای خدمت به مردم و برقراری امنیت معیشتی و اجتماعی و بجای اصلاح ساختارها و گسترش عدالت اجتماعی به دولتهای بزهکار تبدیل می شوند و با اعمال شکنجه های گوناگون بدنی و روانی منجمله تجاوز جنسی تلاش می کنند که قدرت سیاسی خود را حفظ کنند.

بررسی انواع و اقسام شکنجه های مختلف و ابزار و آلات مورد استفاده در جریان شکنجه به خوبی نشان می دهد که پدیده ی شکنجه امری نیست که فقط در عصر فرمانروائی نئو محافظه کاران حاکم بر کاخ سفید در سالهای آغازین قرن بیست و یکم (آنهم در خارج مرزهای آمریکا) رواج یافته است. مدارک و اسناد پژوهشهای متنوع از سوی چالشگران ضد نظام بطور مفصل و جامع چندین نکته زیرین را روشن می سازند:

۱ - پیشینه ی شکنجه در زندانهای آمریکائی (چه در خارج از مرزهای آمریکا و چه در داخل آمریکا) به سالهای بعد از پایان جنگ جهانی دوم و آغاز دوره ی "جنگ سرد" میرسد.

۲ - در فاز فعلی جهانی شدن سرمایه (دوره ی "بازار آزاد" نئولیبرالی) شکنجه منجمله آزار و تجاوز جنسی به زندانیان بیش از پیش جهانی گشته و پژوهشگران در این زمینه شباهتهای نزدیکی بین انواع و اقسام شکنجه های بویژه جنسی (منجمله تجاوز) که بر زندانیان در ایران، کنگو و... اعمال میگردند، پیدا کرده اند. دراینجه به چند و چون جهانی شدن شکنجه بویژه شکنجه جنسی (تجاوز) در زندانهای آمریکا و ایران می پردازیم.

* بعد جهانی گرایی شکنجه جسمی در زندانهای جهان و ایران

پدیده تجاوز و شکنجه جنسی نیز مثل پدیده های نکوهیده و ضد انسانی دیگری مثل ستم ملی و تبعیض جنسی و نژادی و ... در جوامع بشری پیشا سرمایه داری وجود داشته اند ولی این پدیده ها در عصر سرمایه داری به عنوان شیوه های کنترل بر جامعه و استثمار طبقاتی

سیستماتیزه گشته و گسترش یافته و در فاز فعلی گلوبالیزاسیون سرمایه تشدید یافته و مثل روسپیگری جهانی تر و طبیعتاً همگون تر گشته اند.

رسانه ای شدن موضوع تجاوز و شکنجه جنسی در سالهای اخیر در اکناف جهان (از ایالت شرق کشور کنگو گرفته تا سیاه چالهای ابوغریب در عراق و بازداشتگاه های ایران) و همدردی افکار عمومی جهانی با قربانیان شکنجه و تجاوز جنسی بویژه در ایران نه تنها کمکی به شکستن تابوهای فرهنگی در این موارد می کند بلکه استفاده از تجاوز و آزار جنسی به عنوان وسیله ای در جهت کسب اطلاعات و قربانیان را نیز بر ملا می سازد. در نظامهای پیشا سرمایه داری، شکنجه عمدتاً و عموماً غیر جنسی و فیزیکی بود ولی در سرمایه داریهای کنونی شکنجه و آزار جنسی به حربه و وسیله اصلی شکنجه علیه زندانیان بویژه سیاسی، تبدیل گشته است.

در نظام های پیشا سرمایه داری از انواع و اقسام تفتیش عقاید در اروپای قرون وسطی گرفته تا شکنجه گاه های امپراطوری های عثمانی، صفوی و رومانف ها در قرون ۱۵ و ۱۶ میلادی) پدیده شکنجه عمدتاً نحوه ها و شیوه های محلی و کشوری را در خود حمل میکردند و عموماً خیلی با هم تفاوت داشتند. در حالیکه اسناد و مدارک موجود نشان می دهند نوع شکنجه ها منجمله آزار و تجاوز جنسی در ابو غریب عراق، باگرام افغانستان، زندانهای میسی سی پی و تگزاس و سیاه چالهای ایران، مصر، پاکستان و ... از شباهتهای "عجیب و غریب" و همسانی ها و همگونیهای "حیرت انگیز" برخوردار هستند. در این زندانها برخلاف زندانهای قرون وسطائی و پیشا سرمایه داری، تجاوز یا آزار جنسی تا حد "ازاله بکارت" یکی از انواع شکنجه های اصلی است. در شکنجه غیر جنسی (عمدتاً بدنی- فیزیکی) در این زندانها از شلاق، اعدام نمایشی، گرسنگی، فروربردن زندانی در ریر آب و یا پرکردن معده و شکم زندانی از آب و سپس و قرار دادن زندانیان در بازداشتگاه های تنگ و انفرادی و غیره استفاده می کنند که (water boarding) روی شکم زندانی نشستن زندانی سیاسی را وادار به "اعتراف" ساخته و حتی از او یک "تواب" بسازند. چون تعداد قابل توجه ای از زندانیان سیاسی بویژه جوانان در مقابل این نوع شکنجه های صرفاً فیزیکی و غیر جنسی مقاومت کرده و عموماً حاضر به "اعتراف" و "توبه" نمیشوند در نتیجه بُعد و پهنای "تعزیر" و کسب "پشیمانی" و "ندامت" بسوی اتخاذ برنامه (آلترناتیو) دوم یعنی شکنجه جنسی شیفیت می کند. در تمام جوامع بشری (چه در کشورهای توسعه یافته مرکز و چه در کشورهای توسعه نیافته پیرامونی) تجاوز جنسی شکنجه ای است که مربوط به "عنعنه ها"، دغدغه ها و تابوهای فرهنگی می شود. نحوه و مکانیسم فشار از طریق اعمال تجاوز جنسی بویژه در مورد زنان جوان بسیار پیچیده تر از سایر آزارها و شکنجه هاست. به کلامی دیگر این نوع شکنجه مثل برداشتن "ازاله بکارت" با تابوهای فرهنگی و قرارداد های اجتماعی سروکار دارد و به راحتی قابل روایت و بازگو کردن نیست. عموماً جوانان و دیگر زندانیان سیاسی بعد از تجربه های دردناک و هواناک شکنجه فیزیکی و غیر جنسی در زندان، پس از آزادی انواع و اقسام شکنجه هائی را که بر آنها در زندان روا شده، بطور کامل و دقیق بازگو کرده و حتی بصورت مقاله و کتاب و غیره منتشر می سازند. در صورتیکه تاکنون به ندرت ما شاهد بازگوئی های قربانیان تجاوز و آزار جنسی بوده ایم. به نظر روان درمانگر ها و پژوهشگران مسائل جنسی عمومی شدن بحث در مورد قربانیان تجاوز جنسی کمک می کند که قربانیان این نوع شکنجه ها احساس اعتماد و آسودگی خاطر کرده و راجع به شکنجه هائی که بر آنها روا شده صحبت کنند. بازگوئی این تجاوزات و حساسیت و حمایت افکار عمومی جهانی نیز میتوانند حد اقل در کوتاه مدت از تشدید این نوع تجاوزات جلو گیری نمایند. در مبارزه اصولی و جدی علیه آزار و تجاوز جنسی که امروز در سیاه چالهای مخوف از ایران، مصر، عراق، افغانستان و پاکستان گرفته تا شرق کنگو، غرب سوئدان، زندانهای بخشی از ایالات منحه آمریکا و زندانهای مخفی متعلق به سازمان "سیا" در پایگاه های نظامی آمریکا علیه زندانیان سیاسی اعمال می گردند، باید به چندین نکته اساسی توجه کرد.

۱ - وقتی زندانیان از یک زندانی سیاسی با اعمال شکنجه های فیزیکی و غیر جنسی "اعتراف" می گیرند، هدفشان صرفاً این نیست که تا با نمایش آن اعتراف در رابطه فرد با حزب و سازمان و گروهش اختلاف ایجاد کرده و یا او را در میان یارانش منزوی و بی اعتبار سازند. عموماً زما نی که شکنجه گران در طرح اول (شکنجه بدنی) با ناکامی روبرو می شوند، متوصل به اعمال طرح دوم (شکنجه جنسی) می شوند. این نوع شکنجه با مسائل جنسی مربوط است که کاملاً خصوصی و شخصی است و وقتی علنی می گردد بر خلاف شکنجه بدنی و فیزیکی ایجاد شرم می کند. این نوع شکنجه با تابوهای فرهنگی جامعه درارتباط است. عموماً بازجویان درکشورهای ایران، مصر، عراق ، افغانستان و پاکستان برخلاف اعترافات، تجاوز جنسی را علنی نمیکنند، بلکه آنرا چون "رازی" بین خود و زندانی

نگاه میدارند. مکانیسم پیچیده تجاوز جنسی دراین است که فرد قربانی در حال هراس و دلهره به سر میبرد که مبادا این راز برملا شود.

احساس تحقیر و شرم از یک سو و احساس شدید گناه از سوی دیگر باعث می شوند که قربانیان آزار جنسی بعد از خلاصی از زندان از دیگران وحتمی نزدیک ترین خویشاوندان خود فاصله بگیرند. خودکشی و ابتلاء به امراض روانی و روحی بین قربانیان تجاوز جنسی به مراتب بیشتر از قربانیان شکنجه های غیر جنسی است.

۲ - عوارض شکنجه های بدنی (غیر جنسی) با تجاوز جنسی خیلی متفاوت هستند. کتک خوردن، گرسنگی کشیدن و شکنجه های دیگر فیزیکی مثل اطو کردن بدن قربانی و زیر آب قرار دادن زندانی، و... با رهائی فرد از زندان قطع می شود و تأثیر آنها بتدریج از بین میروند ولی طبق نظر روان کاوان و پژوهشگران حقارت و شرم و درد ناشی از تجاوز با اتمام دوران زندان پایان نمی گیرند.

۳ - هدف شکنجه گران این است که رازی را از درون زندانی سیاسی درباره یارانش بیرون بکشند. زمانیکه با اعمال شکنجه فیزیکی نمی توانند به هدف خود دست یابند آگاهانه و با برنامه متوسل به اعمال شکنجه های جسمی می شوند. آنها با تجاوز جنسی این دفعه راز دیگری به قربانیان خود می دهند. این راز، فشار، حقارت و شرمی است که به قربانیان وارد کرده اند که به اصطلاح قابل روایت وگفتنی نیست. بعقیده خیلی از روان درمانگران هرگونه اطلاع رسانی و رسانه ای ساختن شکنجه های جنسی کمکی است به افشای این رازها که قرار بوده بین زندانیان و زندانبانان بماند. برملا ساختن این رازها خود بخود شیوه پیچیده تجاوز جنسی را نه تنها دچار اختلال و سردرگمی می سازد بلکه رژیم های فرتوت ودرمانده مثل جمهوری اسلامی سرمایه را نامشروع تر در افکار عمومی جهانی و آسیب پذیرتر در درون جنبش همگانی مردم ایران می سازد.

۴ - بررسی چند و چون پیچیدگی شکنجه جنسی در زندانها و بازداشتگاه های جمهوری اسلامی بویژه در تابستان ۲۰۰۹ بروشنی نشان می دهد که نوع، بُعد و پهنای این شکنجه ها نیز چندان تفاوتی با تجاوزات و شکنجه های جنسی رایج در زندان های عراق، افغانستان، پاکستان و بازداشتگاه های سازمان "سیا" در پایگاه های نظامی آمریکا دراکتاف جهان ندارند. این امر حکایت از این دارد که شکنجه جنسی نیز مثل برده داری جنسی، کودکان خیابانی، اعتیاد به مواد مخدر و... به یک پدیده جهانی تبدیل گشته و در فاز فعلی گلوبالیزاسیون جهانی ترگشته است.

* منتخبی از منابع

و وب سایت سینما : [Sadeghmeol-eng.com](http://www.Sadeghmeol-eng.com) ۱ - درباره جزئیات و شیوه های شکنجه در زندانهای جمهوری اسلامی، رجوع کنید به و عبدالفتاح سلطانی، "داستان شکنجه"، در مجله ی "چشم Cinema and Culture at <http://www.Cinemapen.com> و فرهنگ

۲۸، - انداز ایران"، در ماهنامه شماره ۶۷ (اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۰)، صفحات ۴۰

۲ - درباره جهانی شدن "شبکه ی صنعتی - نظامی - زندانی" و رواج شکنجه به شیوه ی آمریکا در اکناف جهان، رجوع کنید به:

- نیلکنآرف سورب"رد هجنکش یداع جاور یئاکیرمآ یاهنادنز " تیاس
بورد www.historianagainstwar.org و

- ارل اسمیت و انجلا هتری "جهانی شدن شبکه ی صنعتی - زندانی آمریکا" و "رابطه ی زندانهای خصوصی با در صد

(محبوسین و صنعت زندان سازی در آمریکا" در مجله ی "جوامع بدون مرز"، چاپ لندن، شماره های ۲ و ۳ (سال ۲۰۰۷)

۳ - درباره ی جزئیات شکنجه در زندانهای ایالات آمریکا (تکزاس، میسی سی پی، فلوریدا و...) و زندانهای آمریکائی در عراق،

افغانستان و... رجوع کنید به:

(- مجله ی "اخبار قانونی زندان" سال پانزده، شماره ۷ (ژوئیه ۲۰۰۴)

در " بیعدالتی جنایتبار" (چاپ بوستون ۱۹۶۶)، گزارش جامعی درباره ی شکنجه (Rosenblatt) - الی هوروز نبلات

در زندانهای آمریکا ارائه میدهد. طبق این گزارش ۴۲ ونیم درصد زندانیان ماهانه حد اقل یک بار مورد شکنجه قرار میگیرند.

این کتاب بطور مبسوط روشن میسازد که شکنجه منجمله شکنجه ی جنسی (تجاوز) دهه های متمادی پیش از برملاء و رسانه ی

parsa benab younes. تر شدن این بیعدالتی در زندانهای آمریکا معمول بود

دو نمونه از پدیده های جهانی شده در مسیر حرکت جهانی سرمایه- بخش دوم و پایانی

بخش دوم و پایانی: جهانی گرائی روسپیگری در فاز فعلی

گلوبالیزاسیون

• در بخش اول این نوشتار به جهانی گرائی پدیده ی شکنجه جنسی (تجاوز) در زندانهای جهان منجمله درایران پرداخته شد. دربخش دوم و پایانی ای ن نوشتار مسئله ی جهانی شدن صنعت سکس (روسپیگری) بویژه در خاورمیانه مورد بررسی مختصر قرار گرفته است ...

*درآمد:

دربخش اول این نوشتار به جهانی گرائی پدیده ی شکنجه جنسی (تجاوز) در زندانهای جهان منجمله درایران پرداختیم. دربخش دوم و پایانی این نوشتار نیم نگاهی به مسئله ی جهانی شدن صنعت سکس (روسپیگری) بویژه در خاورمیانه می افکنیم. چون اکثریت بسیار قابل توجه تحلیل های جهانی گرائی سرمایه جنبه سیاره ی صنعت روسپیگری را یا در نظر نمیگیرد و یا خیلی کم توجه دارد، نگارنده دراین بخش مسئله ی جهانی شدن سکس درمسیرحرکت سرمایه ی بویژه در کشورهای خاورمیانه و مضامین مربوط به آن (کالائی شدن، سیر تردد کودکان ، روسپیگری ، فوران و رونق هرزه نگاری پورنوگرافی کودک ، توریسم سکس ی و شیوع بیماریهای واگیردار سکسی منجمله ایذ) را مورد بررسی قرار می دهد.

* تعریف و مفهوم روسپیگری جهانی شده

صنعت و تجارت سکس که عموماً از جابجائی مهم جمعیت (مهاجرت) یا جنگ و نا امنی و فقر ناشی از آنها به وجود می آید ، باعث کسب سود و امتیازات باورنکردنی از سوی صاحبان این صنعت میگردد. بدون تردید گسترش روسپیگری بعنوان صنعت جهانی از تبعات بسیار مشخص پروسه ی

فلاکت بار و ویرانساز حرکت سرمایه در سطح جهانی (گلوبالیزاسیون) در فاز فعلی تاریخ سرمایه داریست.

روسپیگری (تن فروشی = "فحشا") که مضمون اصلی تجارت و صنعت سکس محسوب می شود، نیزمثل پدیده های چون شکنجه، ستم ملی و نژاد پرستی یکی از عادات و فعالیتهای نكوهیده بشری درجوامع پیشا سرمایه داری بوده است. منتها بعد و عمق و گستره ای آن (باز مثل شکنجه، ستم ملی و تبعیض و آزار جنسی) محدود به مناطق درون کشورهای و امپراطوریهای شبه قاره یی و نیمه قاره یی میگشت. ولی امروز رشد برق آسای تجارت سکس بعد و وسعت جهانی پیدا کرده و در سی سال گذشته (درفاز فعلی گلوبالیزاسیون = گسترش "بازار آزاد" نئولیبرالی سرمایه داری) بطور جدی حقوق اساسی بشریت زحمتکش بویژه زنان، کودکان و نوجوانان را که به کالاهای سکسی در سطح جهانی تبدیل شده اند، پایمال ساخته و یا آنها را به زیر سنوال برده است. به عبارت دیگر، اکثریت دولتهای جهان و سازمانهای بین المللی پس از بررسی ها و تبادل نظر ها که افشاگر فلاکت بار ترین پی آمدهای جهانی شده بازار سکس بویژه روسپیگری است، در سالهای اخیر مواضع و

سیاست‌هایی را اتخاذ کرده اند که در آنها از آزاد ساختن روسپیگری و بازار های سکس عملاً حمایت می کنند. مولفه های تجارت سکس و درآمد های سودآور آن مولفه ها و مضامین جهانی شدن سکس عبارتند از: کالائی و صنعتی شدن سکس در سطح جهانی،

• تردد ، مهاجرت و قاچاق زنان و کودکان ، رواج هرزه نگاری، ویدیوهای پورنو ، بویژه کودکان،

• توریسم سکسی، زنان و کودکان، آزادسازی صنعت روسپیگری، شیوع بیماریهای واگیردار مقاربتی ، بویژه مرض ایدز و ...

همانطور که در آغاز بخش اول این نوشتار نیز بطور اجمالی اشاره شد پروسه ی جهانی شدن با اینکه محدود به حرکت سرمایه است ولی این حرکت که بر پایه ی منطق حاکم انباشت از طریق سود به وقوع می پیوندد، هرزمینه و حیطه ی سودآوری را که در مسیرش باشد زیر سितره ی خود قرار می دهد.

براین اساس منطق حرکت سرمایه همیشه به کالائی شدن مدام فعالیتها ، محصولات و خواسته های بشری نیاز دارد. در تاریخ صد ساله ی گذشته (بویژه درسی سال گذشته) دگرگونیهای فاجعه بار تجارت سکس موجب صنعتی شدن (قانونی و غیر قانونی) تجارت سکس در سطح جهانی گشته است. این صنعت که میلیارد ها دلار درآمد ببار می آورد، بازار مبادله های سکس را رونق داده که در آن میلیونها زن و کودک به کالاهائی به مشخصه سکس تبدیل شده اند. طبق برآورد یونیسف یک میلیون کودک هر سال در صنعت تجارت سکس وارد می شوند. در سال ۲۰۰۶ ، صنعت روسپیگری کودکان از ۴۰۰۰۰۰۰ کودک در هند، ۷۵۰۰۰۰ کودک در فیلیپین، ۷۰۰۰۰۰ کودک در تایلند، ۱۰۰۰۰۰۰ در تایوان، ۲۰۰۰۰۰۰ در نپال، ۳۰۰۰۰۰۰ کودک در ایالات متحده بهره برداری میکرد. تخمین زده شده است که ۵۰۰۰۰۰۰ کودک روسپی در چین، ۱۰۰۰۰۰۰ کودک روسپی در برزیل در سال ۲۰۰۶ مشغول کار بودند. در دوره پس از پایان "جنگ سرد" شرایط فلاکت بار زنان و کودکان تشدید یافت و ودر بسیاری از کشورهای جنوب و هم چنین در کشورهای شوروی سابق و اروپای شرقی تحت تأثیر سیاستهای ویرانساز و خانمانسوز "تعدیل ساختار اقتصادی" (اعمال شده توسط صندوق بین المللی پول)

میلیونها نفر به ویژه کودکان و نونهالان، به "ماده خام جدید" در چارچوب "بازار آزاد" سرمایه دار تبدیل شده اند. در تحت این شرایط، تردد زنان و کودکان در مقیاس جهانی به صورت سرسام آوری در سی سال گذشته، شدت یافته است. در سال ۲۰۰۶ روسپیگری و دیگر کشورهای سابق شوروی با ۱۷۵۰۰۰۰ نفر دومین گروه و آمریکای لاتین با ۱۰۰۰۰۰۰ نفر سومین گروه را در تردد زنان و کودکان برای روسپیگری تشکیل میدادند. در حال حاضر نیز مقام اول در تردد زنان و کودکان به کشورهای آسیای جنوبی (هندوستان، پاکستان، سیریلانکا و ...) و آسیای جنوب شرقی (تایلند، ویتنام، برمه، کامبوج و ...) تعلق دارد.

کودکانی که برای روسپیگری از فیلیپین، تایوان و روسیه به ژاپن (از جنوب و شرق به شمال) آورده می شوند هر سال به ۱۵۰۰۰۰۰ نفر می رسند. هر سال ۵۰۰۰۰۰ کودک وزن دومینیک در فرانسه، هلند، هند و آلمان به روسپیگری می پردازند. هر سال نزدیک به ۲۵۰۰۰۰۰ نفر از زنان و کودکان از برمه، چین، لائوس و کامبوج به تایلند (به عنوان کشور ترانزیت) آورده شده و سپس به بهای متنوع بین ۶۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ دلار آمریکائی به پا اندازها در کشورهای شمال (آمریکا، کانادا، آلمان، هلند و ...) فروخته می شوند. در کانادا، دلان بزرگ و پا اندازهای متوسط ۸۰۰۰ دلار برای یک جوان آسیائی در فیلیپین، تایلند، مالزی، برمه و ... می پردازند و آنها را به ۱۵۰۰۰ دلار به موسسه های روسپیگری در کشورهای اروپای اطلانتیک، ژاپن، استرالیا، آمریکا و کانادا می فروشند. در اینجا بگذارید به بررسی موقعیت پدیده ی صنعت سکس جهانی در

خاورمیانه که بخاطر وجود نفت و گاز طبیعی ثروتمندترین منطقه درجهان محسوب می شود، بپردازیم.

• صنعت سکس جهانی در خاورمیانه:

امروز تردد و انتقال کودکان و نوزدها برای روسپیگری در بازار جهانی سکس سومین جنایت بزرگ تردد غیرقانونی در سطح جهانی است. دو جنایت دیگر در انتقال و تردد بین المللی عبارتند از: انتقال و فروش غیر قانونی اسلحه و مواد مخدر. تعداد کودکانی که سالانه برای استثمار جنسی و یا کار ارزان در سطح جهانی به مورد فروش قرار می گیرند طبق گزارش یونیسف در سال ۲۰۰۷ به متجاوز از یک میلیون و دویست هزار نفر می رسد. ۷۹ درصد این تعداد از کودکان و نوزدها برای استثمار جنسی مورد انتقال قرار می گیرند. در یک بررسی قیاسی و مطالعات میدانی در بین مناطق مختلف جهان، کشورهای خاورمیانه سودآورترین منطقه در تردد و انتقال کودکان و نوزدها دختر و زن به انواع مختلف محسوب می شوند.

در سال ۲۰۰۷ متجاوز از سیزده میلیون نفر کارگر مهاجر در خاورمیانه در داخل و خارج از مرزهای این کشورها قربانیان تردد های غیر قانونی بودند. این کارگران مهاجر که عموماً به عنوان "گُلفت و نوکر" از کشورهای آسیائی (فیلیپین، بنگلادش، سیرلانکا و ...) به کشورهای خاورمیانه (بحرین، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و ...) آورده می شوند، بعداً مورد تجاوز جنسی از سوی کارفرمایان خود قرار می گیرند.

تردد دختران نوزدها و نابالغ برای ازدواج های زود عملاً یک نوع دیگری از صنعت سکس جهانی است که به شدت در فاز فعلی گلوبالیزاسیون در درون کشورهای خاورمیانه رواج پیدا کرده است. در این نوع ازدواج ها ثروتمندان (آقاها و آقا زاده ها) با پرداخت پول به قاچاقچیان موفق می شوند که دختران به سن ازدواج نرسیده را به نام همسر مالک شوند. این وضع فلاکت بار که ناشی از جهانی گرای سکس است در کشورهای یمن، فلسطین، اشغال شده، سودان و سومالی باعث شده که نزدیک به نصف جمعیت دختران کودک، نوزدها و به سن بلوغ نرسیده (دختران کمتر از سن هیجده سالگی) قربانی تردد قرار گرفته و ازدواج کنند. در باره تردد و انتقال غیر قانونی کودکان در داخل و خارج از مرزهای خاورمیانه بگذارید به چندین نکته، اساسی اشاره کنیم:

۱ - کشورهای خاورمیانه که امروز بیش از هر زمانی در گذشته در تحت حاکمیت استبدادی و ضد مردمی دولتهای کمپرادور (اولیگارشی های فرمانبر در خدمت نظام جهانی = سرمایه داری واقعاً موجود) قرار دارند، مهمترین کشورهای وارد کننده ی کودکان و نوزدها (قربانیان استثمار سکس) از کشورهای اروپای شرقی، آسیای جنوب شرقی، آسیای جنوبی، آسیای مرکزی، آفریقای شمالی و دیگر کشورهای آفریقائی محسوب می شوند.

۲ - مضاف بر این امر که کشورهای خاورمیانه "کشورهای مقصد" هستند، این کشورها مثل ایران، ترکیه، سوریه و ... به سان "کشورهای ترانزیت" نیز عمل می کنند. کودکان و نوزدها بعد از ورود به این کشورها توسط پانداها و "دلالتان محبت" به قیمتهای گزاف و سود آوری به کشورهای دیگر خاورمیانه (عربستان سعودی، بحرین، امارات متحده عربی: دوبی و ابوظبی) و کشورهای اروپای غربی (بویژه انگلستان، هلند و ...) فروخته و صادر می گردند.

۳ - در داخل خود خاورمیانه تردد و انتقال کودکان و سیر حرکت آنها از کشوری به کشور دیگر تفاوت می کند. کودکان و نوزدها ایران عموماً در داخل کشور قربانی تردد غیر قانونی می شوند. ولی بخش قابل توجهی از دختران جوان و نوجوان ایرانی به ترکیه، قطر، کویت بویژه ابوظبی و دوبی و تعدادی نیز به فرانسه، آلمان برای استثمار جنسی در جهت اخذ سود بیشتر صادر می شوند. این دختران عموماً فراری که جملگی به خانواده های فقیر از هم

پاشیده تعلق دارند تحت عنوان خدمتکار ("کُلفت") از سوی قاچاقچیان حرفه ای "اسخدام" و خرید می شوند. آنها بعد از ورود به کشورهای مقصد از طریق اعمال زور و ارباب به قیمت‌های گزافی به فاحشه خانه ها و صاحبان صنعت سکس و روسپیگری فروخته می شوند. (برای جزئیات رجوع کنید به: " برای جزئیات رجوع کنید به" قیمت دختران ایرانی بعد از ورود به بازار تردد در خلیج فارس در آژانس خبری سینا مه ۲۰۰۴ در وب سایت فوروم زنان علیه بنیاد گرائی در ایران : Market.html-www.wfafi.org/SinaTrafficking)

نتیجه اینکه؛ از سی سال پیش به ای ن سو، ما شاهد صنعتی شدن و جهانی تر شدن تجارت سکس در کشورهای مختلف جهان شده ایم. درای ن تجارت جهان ی از زنان و کودکان کشورهای جنوب (جهان سوم) و کشورهای شرق (کشورهای سابق شوروی و اروپای شرقی) بهره برداری می شود. به موازات روسپیگری جهانی، تردد و داد و ستد زنان و کودکان (برده داری سکسی)، هرزه نگاری (انتشار نشریاتی چون "پلی بوی" فیلمبرداری ویدئوی و نمایش آن در اطاقهای هتل ها، تهیه پورنوهای کودکانه و ...)، توریسم سکسی (از محله های "داغ" آمستردام، برلین، هامبورگ، نیویورک گرفته تا ریودوژانیرو، دوی، قاهره و ...) و بالاخره رواج بیماریهای مقاربتی بویژه ایدز بدون بازار آزاد نئولبرالی، بدون کالائی شدن موجودهای انسانی و بدون تقاضا که جملگی به شدت جهانی گشته اند، نمیتوانستند وجود داشته باشند. این بررسی مختصر نشان می دهد که منطق حرکت سرمایه (انباشت سود) بنا به خصلت ذاتی خود که پیوسته نیاز به کالا سازی و خصوصی سازی تمام فعالیت ها و موجودات انسانی دارد، جهان ما را بسوی بربریت سوق خواهد داد. تنها راهکار رهائی ترویج و استقرار یک "چپ جهانی از اجزاء و نهادهای رهائیبخش ضد نظام است که امروز در سراسر جهان در سطوح کشوری و منطقه ای توسط چالشگران بوجود آمده و موجودیت نظام را زیر سؤال برده است.

منابع و مآخذ

- ۱ - گرن بیکس و دلیله امیر (گردآورندگان) "قاچاق و صنعت جهانی سکس"، ۲۰۰۶ چاپ Books.com Lexington
- ۲ - گرن جانسون، "کارگران سکس جهانی شده" در "ماهنامه ی حقوق بشر"، سال ۲۱ شماره ۳ (اوت ۱۹۹۹)
- ۳ - رعنا ابوزید، "مادران پانداز دختران خود" مجله ی "تایمز"، ۷ مارس ۲۰۰۹
- ۴ - "تردد دختران نونهاال به خاورمیانه"، در نشریه "نیوز انترناسیونال"، چاپ پاکستان، ۱۵ فوریه ۲۰۰۷
- ۵ - "قیمت دختران ایرانی بعد از ورود به بازار تردد خلیج فارس"، در "آژانس خبری سینا"، می ۲۰۰۴

به نقل از سایت چه باید کرد؟

www.chebayadcard.com